

مسائل صنفی خود را با اعضای شورای صنفی در میان بگذارید!

آیدی‌های تلگرام اعضای شورای صنفی به تفکیک کارگروه‌ها در ذیل آمده است تا بتوانید مسائلتان را با آن‌ها مطرح کنید:

+ دبیر
هنگامه درفشی:
@hengameh_derafshi

+ نایب دبیر
زهرا صابری:
@statelees

+ تأسیسات و بهداشت
ناهید امانی:
@nahid_amanii

معین فضلی:
@famino

+ فضای سبز
زهرا منصوری:
@zahramansoori75

کامیار ذوقی:
@kamyar_zzz

+ کتابخانه و سایت
شقایق ایاسه:
@shaghayegh_aiaseh

زهرا صابری:
@statelees

+ معلولان و روشندان
ایمان ذاکری:
@spinosus

+ حقوقی
هنگامه درفشی:
@hengameh_derafshi

+ بوفه
احمد سعیدی:
@asv_99

تارا مظفری:
@tmone

+ سلف
تارا مظفری:
@tmone

+ پیگیری برنامه‌ها
کامیار ذوقی:
@kamyar_zzz

+ روابط عمومی
معین فضلی:
@famino

+ همچنین می‌توانید انتقادهای و پیشنهادهای خود دربارهٔ نشریهٔ ویرگول را به آیدی تلگرام زیر ارسال کنید:
@zahramansoori75

کاغذ اخبار

احمد سعیدی ورنوسفادرانی

+ اعتراض به پولی‌سازی آموزش در تعطیلی دانشگاه‌ها
تایستان امسال، در عین تعطیل بودن دانشگاه، همراه بود با اعتراضات و تجمعات گروهی از دانشجویان کارشناسی ارشد به یکی از مصادیق پولی‌سازی آموزش یعنی اخذ شهریه برای دروس جبرانی. این تجمعات اعتراضی در چند روز و در محل‌های مختلف از جمله کوی دانشگاه تهران، ساختمان آموزش دانشگاه و پردیس مرکزی دانشگاه تهران انجام شد.
دانشجویانی که در دورهٔ کارشناسی ارشد نسبت به دورهٔ کارشناسی تغییر گرایش داده‌اند ملزم به گذراندن دروس جبرانی هستند. به گفتهٔ دانشجویان امسال نخستین سالی است که برای گذراندن این درس‌ها از آن‌ها درخواست شهریه می‌شود و پیش از این هیچ‌گونه اطلاعی در این زمینه به آن‌ها داده نشده بود. این در حالی است که به گفتهٔ رئیس

دانشگاه تهران اخذ شهریه برای این دروس از مصوبات هیئت امنای دانشگاه در ۱۳۸۷ بوده است و از همان سال به اجرا درآمده. این مصوبه در حالی تأیید شده و به اجرا در می‌آید که به گفتهٔ یکی از اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس دانشگاه‌های دولتی براساس قانون اجازهٔ دریافت شهریه را برای دروس اصلی یا جبرانی از دانشجویان دورهٔ روزانه ندارند.
نکتهٔ متناقض دیگر در این زمینه آن است که بسیاری از گرایش‌های ارشد دارای رشته در دورهٔ کارشناسی نیستند و تمامی دانشجویان محصل در این گرایش‌ها «مجبور» به گذراندن مسئولین دانشگاه در آخرین اقدام خود جهت رفع این مشکل دانشجویان، وعدهٔ اعطای وام به مشمولان این مصوبه را داده‌اند!
+ تشدید شایعهٔ لو رفتن ارزشیابی اساتید
محفوظ بودن حریم شخصی و محترم

شمردن آن از جانب دیگران حق مسلم هر فرد است. رعایت این حق آنگاه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که پای رعایت عدالت و حفظ منافع افراد در میان باشد، آن هم در سطحی گسترده.
احتمال دسترسی استادان به نتایج ارزشیابی اساتید، خواه میانگین نمرات یا جزئیات آنها، همواره برای دانشجویان ایجاد نگرانی کرده است. این دسترسی علاوه بر نقض حریم شخصی دانشجویان می‌تواند بر نمرات نهایی آنها نیز مؤثر باشد.
هر چند این احتمال همواره از سوی مسئولان دانشگاه با قطعیت رد شده است؛ اخیراً منبعی از ادارهٔ کل آموزش دانشگاه خبر از دسترسی اساتید به نتایج کامل این ارزشیابی دانشگاه به انتشار این خبر چیست و در صورت صحت داشتن آن، دلیل انکار مداوم آن‌ها چه بوده است.

شمارهٔ چهل و هفتم / مهر ۱۳۹۷
صاحب امتیاز: شورای صنفی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران
مدیرمسئول: نوشین صفائیان
سر دبیر: زهرا منصوری
تارنما: www.virgoolut.ir

بازاندیشی در فعالیت صنفی و شورای صنفی

حسام حسین‌زاده

این روزها بیش از ۴ سال از بازگشایی شورای صنفی دانشجویان دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران و حدود ۳ سال از گسترش شوراهای صنفی و اوج‌گیری فعالیت صنفی در دانشگاه‌های مختلف می‌گذرد. برای ما که دانشجوی علوم اجتماعی هستیم، بازاندیشی در وضعیت و مفاهیم باید امری مداوم و مکرر باشد. بازاندیشی به ما کمک می‌کند شکاف‌های واقعیت را بهتر درک کنیم و مواجهه‌ای نقادانه با وضعیت و تاریخ خود داشته باشیم. به نظر می‌رسد برای آغاز بازاندیشی در وضع موجودمان باید ابهامات چند مفهوم تعیین‌کننده مثل «صنف»، «فعالیت صنفی» و «شورای صنفی» را کنار بزنیم و به فهمی دقیق‌تر از این‌ها دست یابیم. البته این تنها آغاز راه است و مقدمه‌ای برای پا گذاشتن بر زمینی سفت تا آنگاه بتوانیم به آینده نگاه کنیم. اما دغدغه‌ام در اینجا آینده نیست، هر چند دربارهٔ آن پنداشت‌هایی دارم که به اشتراک می‌گذارم. مسئلهٔ این یادداشت «اکنون» است، وضع موجود. همان قدر که می‌توان نسبت به پیش‌بینی آینده گشوده بود، نسبت به تفسیر وضع موجود باید ثابت‌قدم باشیم چراکه تفاسیر متفاوت از وضع موجود نه تنها افق‌های متفاوتی را پیش روی ما می‌گذارد، بلکه نشانگر گذشته‌های متفاوت و مهم‌تر از آن، جهان‌بینی‌های متفاوت است. از این رو مناقشه بر سر آنچه در ادامه می‌آید نه تنها دور از انتظار نیست بلکه امیدوارکننده است. امیدوارکننده از این جهت که به گفت‌وگوهایی جمعی دربارهٔ وضع موجود دامن بزنند. گفت‌وگو نه در معنایی سرمایه‌دارانه که با ژست‌های حال بهم‌زن و لبخندهای دورغین و گاه دادوبیدادهای توخالی همراه است بلکه در معنایی انتقادی. با جدیت و به پشتوانهٔ تئوری و فهم‌های متفاوت از خود، دیگری و وضعیت با هدف افشای واقعیت. گفت‌وگو در معنای اولش همان قدر که در دسترس می‌نماید و هر روز در حیطه و لابی و بوفه و کلاس‌ها برش‌هایی از آن را می‌بینیم، در معنای دومش به نظر از دست‌رفته می‌رسد. این یک سازوکار است، کارکرد دستگاه ایدئولوژیک وضع موجود است، اشاعهٔ گفت‌وگو در معنای نخستین به ابهام بیشتر و کین‌توزی و عدم فهم

وضعیت منجر می‌شود، پس ترویج می‌شود. اما گفت‌وگو در معنای دوم خط قرمز وضع موجود است چون آن را افشا و وضعیت را شفاف می‌کند. کیست که نداند «شفافیت» چه تبعات گران‌باری برای حافظان وضع موجود خواهد داشت؟
از صنف دورکیمی تا طبقهٔ مارکسی
به نظر می‌رسد پیش از اینکه بتوانیم به صورت‌بندی نسبتاً دقیقی از مفهوم «صنف» دست یابیم، سخن گفتن از فعالیت صنفی و شورای صنفی و امثال آن بی‌معنا است. به بیان ساده، به گمان دورکیم هر جامعه‌ای از سه عنصر «تودهٔ شهروندان»، «مجموعه‌های شورایی» و «شوراهای حکومتی» تشکیل می‌شود و امکان گفت‌وگوی آزاد میان این سه بخش معیاری برای سنجش دموکراسی در هر جامعه‌ای است. بنابراین برای دورکیم دموکراسی مستقیم معنایی ندارد، هر اجتماع (صنف) با نمایندگان سیاسی‌اش (نمایندگان صنفی) می‌تواند در این گفت‌وگو مشارکت کند. صنف از آن رو برای دورکیم چنین جایگاه محوری‌ای دارد که به گمانش می‌تواند تناقض تاریخی میان ارادهٔ فردی و ارادهٔ جمعی را حل کند. صنف بنا بر ماهیتش نه هرگز به دام اراده‌های متکثر و متضاد فردی می‌افتد و نه خود را تسلیم تمام‌وکمال ارادهٔ قدرت (دولت) می‌کند. نگرانی دورکیم آن است که نظم بازار (بر مبنای رقابت) با اشاعهٔ فردگرایی، هر شکلی از نظم اخلاقی (جمعی) و شهروندی اشتراکی را به محاق ببرد. جمع‌گرایی صنفی در مقابل فردگرایی بازار، مهم‌ترین دغدغه‌اش حفظ اخلاق جمعی و تأمین نیازهای اجتماعی است. دموکراسی از نظرگاه دورکیمی نه بر مبنای انتخابات آزاد بلکه بر مبنای اصناف شکل می‌گیرد چراکه اصناف بر خلاف انتخابات به دلیل مقطعی نبودن می‌توانند آگاهی جمعی را شکل دهند. صنف زمانی معنا پیدا می‌کند که توده‌های بی‌شکل خود را در قالب شهروندانی مسئول و کنشگرانی آگاه از مسئولیت‌های اجتماعی‌شان بیابند.
هرچند نمی‌توان ساده‌انگارانه و تقلیل‌گرایانه «صنف» دورکیمی و «طبقهٔ» مارکسی را یکی دانست، اما می‌توان شباهت‌هایی میان آن‌ها

سخن سردبیر

بازجویی در ویلا

اوایل مردادماه ۱۳۹۷ حدود ۳۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی از سوی سازمان سنجش برای تأیید صلاحیت احضار شدند. البته این احضارها به‌صورت تلفنی انجام شده است و هیچ‌گونه مبنای قانونی ندارد.
براساس گفتهٔ دانشجویان آن‌ها به ساختمانی در خیابان ویلا احضار شدند. جلسهٔ چیزی بیشتر از یک پرسش‌وپاسخ معمولی بوده، بیشتر به بازجویی شباهت داشته، بیش از دو ساعت به طول انجامیده و رفتار بازجویان با داد و تهدید توأم بوده است. پرسش‌های بازجویان عمدتاً دربارهٔ فعالیت‌های صنفی دانشجویان بوده و از آن‌ها خواسته شده است که تعهد نامه‌ای را امضا کنند که براساس آن نباید هیچ‌گونه فعالیت سیاسی-دانشجویی در دانشگاه انجام دهند. بعضی از دانشجویانی که از امضای تعهدنامه امتناع کرده‌اند، با تهدید روبه‌رو شده‌اند.
بعضی از مسئولین نیز دربارهٔ این مسئله قول پیگیری داده‌اند اما تاکنون هیچ نهادی مسئولیت این احضارها را برعهده نگرفته است و در این زمینه پاسخگو نیست. مسئلهٔ حایز اهمیت دیگری که وجود دارد این است که تعدادی از دانشجویان دکتری با وجود اینکه رتبهٔ درخور توجهی را کسب کرده‌اند اما در هیچ دانشگاهی قبول نشده‌اند و نتیجهٔ انتخاب رشتهٔ آن‌ها مردود اعلام شده است. البته این اتفاق برای تعدادی از دانشجویان ارشد نیز رخ داده و آن‌ها به علت نقص در پرونده، مردود شدند. پیگیری‌های آن‌ها از سازمان سنجش نیز فعلاً نتیجه‌ای نداده است. گویا ستاره‌دار شدن دانشجویان به شیوهٔ نو و تازه‌ای در حال اجرا است و این دانشجویان همواره باید نگران امنیت تحصیلی خود باشند.
البته سابقهٔ احضار دانشجویان به اواسط دههٔ هشتاد برمی‌گردد و نتیجهٔ آن احضارها ستاره‌دار شدن تعدادی از دانشجویان بود تا اینکه این احضارها دوباره در سال ۱۳۹۳ تکرار شد.



یافت. شباهتهایی که به فهم بهتر وضعیت کمک می‌کند. نخست اینکه از نظرسنجی مارکس منافع طبقاتی (اراده جمعی دورکیمی) هرگز نمی‌تواند از منافع فردی (اراده فردی دورکیمی) برخیزد و این دو چیزی سراسر متفاوت هستند. منافع طبقاتی از جایگاه آن قشر (صنف) در درون ساختارهای اجتماعی و روابط تولیدی سرچشمه می‌گیرد. طبقه مارکسی همچون صنف دورکیمی زمانی معنا پیدا می‌کند که طبقه «در خود» به طبقه «برای خود» تبدیل شود (شکل‌گیری آگاهی جمعی دورکیمی)، یعنی افراد اشغال‌کننده جایگاه‌های یکسان در نبرد مشترک درگیر شوند. در این حال شبکه‌ای از روابط میان آنان پدید می‌آید و صنف در معنای دورکیمی‌اش شکل می‌گیرد. آنان به این طریق از سرنوشت مشترکشان آگاه می‌شوند. به گمان مارکس، این سرنوشت مشترک ناشی از رابطه آن‌ها با ابزار تولید (وضعیت اقتصادی‌شان) است. بیایید مثالی را در نظر بگیریم، یک دانشجوی دانشگاه تهران - این نماد آموزش عالی کشور - تقریباً همان قدر ممکن است پس از پایان تحصیلش بیکار باشد یا مجبور به کارگری با حداقل دستمزد شود که یک دانشجوی دانشگاه آزاد ابرکوه یا شاید جایی دیگر! هرچند پذیرش این واقعیت برایتان دشوار و شاید دردناک خواهد بود اما نمی‌توانیم دروغ بگوییم. این همان سرنوشت مشترک است. اینکه افزایش هزینه‌های تحصیل در همه جای ایران و حتی جهان، ما دانشجویان فرودست را از دانشگاه محروم می‌کند، نشانگر همین سرنوشت مشترک است؛ چنان‌دها دانشجویی که در طول چندین سال گذشته به دلیل مشکلات اقتصادی مجبور به ترک همین دانشکده علوم اجتماعی فکستنی شده‌اند.

اما سوالی پیش می‌آید، آیا ممکن است سرنوشت اصناف نیز مشترک باشد؟ به طور مثال اگر ما دانشجویان پس از پایان تحصیل وارد بازار کار شویم و بدل به یک کارگر، معلم، پرستار، راننده یا... شویم آیا مشکلاتی مشابه مشکلات کنونی این اصناف نخواهیم داشت؟ آیا پس از بازنشستگی همچون بازنشستگان کنونی با مشکلات عدیده روبه‌رو نخواهیم بود؟ فراتر از این، همین حالا که ما در دانشگاه برای گرفتن یک برقه مدرک جان می‌کنیم، پدران و مادران ما، خواهران و برادران ما، هر روز در قامت یک بیکار، کارگر، معلم، پرستار، راننده، بازنشسته یا... به زندگی خود ادامه می‌دهند و مشکلات صنفی آنان شدیداً ما و زندگی‌مان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مهم‌ترین تفاوت صنف دورکیمی و طبقه مارکسی است. مارکس طبقه را در معنایی گسترده‌تر می‌بیند که شاید بتوان گفت جمع اصنافی با سرنوشت مشترک است.

فعالیت صنفی و اراده جمعی

فعالیت صنفی ارتباطی ناگسستنی با اراده جمعی (منافع جمعی) دانشجویان دارد. درک نشدن این ارتباط باعث مناقشات بسیاری در روند فعالیت صنفی در طول این سال‌ها شده است. اینجا به شکلی گذرا به دو مثال پرتکرار از این جنس مناقشات می‌پردازم.

همچنین نشان می‌دهم چطور درک ارتباط فعالیت صنفی و اراده جمعی می‌تواند برایمان راهگشا باشد. نام مناقشه نخست را می‌گذارم «دانشجوی منفرد». آیا خواست یک دانشجوی منفرد (اراده فردی) مطالبه‌های صنفی است؟ معلوم است که نه! در طول این سال‌ها کم نبوده‌اند دانشجویانی که خواستار پولی‌سازی بیشتر آموزش و خدمات رفاهی، تویبخت دانشجویان توسط شوراهای صنفی، معرفی دانشجویان خاطی به کمیته‌های انضباطی توسط شوراهای صنفی، همکاری شوراهای صنفی با حراست دانشگاه‌ها، حتی بازداشت فعالان صنفی و مسائلی از این دست بوده‌اند. همه این‌ها مثال‌هایی واقعی هستند از اراده‌های فردی، اراده خطرناک افرادی که در دانشگاه‌های مختلف بعضاً خود را به درون شوراهای صنفی می‌رسانند و عضو و حتی دبیر آن‌ها می‌شوند. پس اراده فردی در فعالیت صنفی بی‌معناست، معیار اراده جمعی (منافع جمعی) دانشجویان است، به‌عنوان یک صنف، نه یک توده بی‌شکل از افراد.

مناقشه دوم اما به گمانم «دانشجوی سیاسی» نام دارد. دانشجویی در تشکل‌های سیاسی دانشگاه فعالیت می‌کند و می‌خواهد در مسائل صنفی هم فعال باشد و به فعالیت صنفی بپردازد. اینجا نیز دوباره به معیار سابق بازمی‌گردیم، یک دانشجوی سیاسی تا آنجایی که نماینده و مدافع اراده جمعی دانشجویان باشد نه تنها فعالیت صنفی‌اش بی‌اشکال است بلکه باید آن را به فال نیک گرفت چرا که نشان‌دهنده هم‌گرایی جریان‌های مختلف دانشجویی است. اما آنجا که او به دنبال منافع حزبی‌اش باشد، گویی که به دنبال تحقق اراده فردی است. مهم نیست آن اراده واقعاً اراده یک فرد است یا اراده مجموعه‌ای از افراد، مهم آن است که در مقابل «صنف دانشجو» و در میدان «فعالیت صنفی-دانشجویی» آن‌ها منفرد محسوب می‌شوند. چنان‌که اگر یک دانشجو بخواهد درون یک حزب یا تشکل سیاسی منافع صنف دانشجو را پیش ببرد، توسط هم‌حزبی‌ها یا هم‌تشکلی‌ها می‌تواند به تلاش برای تحقق اراده فردی محکوم شود. چون پیش‌فرض است که وقتی کسی در حزب یا تشکل سیاسی فعالیت می‌کند اراده جمعی آن حزب یا تشکل را پذیرفته که ممکن است هیچ ارتباطی هم به دانشجویان و «دانشجویی» نداشته باشد. بدین ترتیب در فعالیت صنفی دانشجویی هم معیار اراده جمعی دانشجویان است نه چیزی دیگر، هرکس با چنین معیاری فعالیت کند از هر تشکل و اندیشه‌ای که باشد جزئی از فعالان صنفی-دانشجویی محسوب می‌شود.

شورای صنفی: یک تشکل یا یک تحقق؟

حالا می‌رسیم به شورای صنفی. شورای صنفی آخرین حلقه از صنف است. در واقع شورای صنفی نه یک تشکل صرف که تحقق یک اراده جمعی است. به همین واسطه منطق عملکرد آن چیزی سراسر متفاوت از تشکل‌های رایج در دانشگاه است و شاید هم به همین دلیل باشد که دانشگاه

وزارت علوم آن را به‌عنوان یک «تشکل» به رسمیت نمی‌شناسند بلکه آن را «شورا» می‌دانند و چه کار خوبی هم می‌کنند! اعضای شورای صنفی در واقع نمایندگان انتخابی صنف دانشجو هستند. اما به‌واسطه اینکه اینجا «شورا» است نه «تشکل»، ارتباط اراده جمعی و نمایندگان در هیچ لحظه‌ای امکان انقطاع ندارد. یعنی نمایندگان نمی‌توانند پس از انتخاب شدن خود را نماینده تام‌الاختیار شورای عمومی (همان اراده جمعی) بدانند و بدون ارتباط مستقیم با خواست و منافع آنان اقدام به تصمیم‌گیری کنند. به همین دلیل است که هم از نظر قانونی و هم عرفی، شورای عمومی هر زمان که احساس کند شورای صنفی دیگر منافع و اراده آنان را نمایندگی نمی‌کند، می‌تواند در مقابل آن بایستد و دست به استیضاح اعضایش بزند. باید از این آخرین پسماندهای دموکراسی در دانشگاه با تمام توان دفاع کنیم.

گفت‌وگوی انتقادی در اکنون آشفته و آینده پرمخاطره

هر چیزی ممکن است، زندگی و مرگ. این خصلت‌ویژه «اکنون آشفته» است. یورش اقتصادی به دانشگاه چند سالی است با بیشترین توان ادامه دارد و به دنبال کالایی‌سازی و پولی‌سازی همه چیز است، از دانش گرفته تا خوابگاه و غذا و اتوبوس‌های سرویس. به علاوه، از چندین ماه گذشته با یورش سیاسی و امنیتی توأمان شده است. حالا این هجوم‌ها دانشگاه را بدل به میدان جنگی همه‌جانبه کرده که دو اراده جمعی -اراده دانشجویان و اراده دولت- در آن سینه به سینه یکدیگر صف کشیده‌اند. اما ما در دانشگاه میزبان این مواجهه‌ایم -شاید همچون بازی کردن یک تیم فوتبال در ورزشگاه خانگی‌اش- و هر روز که می‌گذرد همبستگی‌مان بیشتر و بیشتر می‌شود. از شورای صنفی تا تشکل‌های سیاسی، از دانشجویان اصطلاحاً نخبه که پیش از این به اطرافشان بی‌توجه بودند تا دانشجویان اصطلاحاً دغدغه‌مند که همواره دغدغه دانشجویان و مردم را داشته‌اند، از استادان تا کارمندان، همه و همه زنگ خطر را شنیده‌اند و می‌دانند امروز دیگر مسئله بر سر یک نگاه و گرایش خاص در دانشگاه نیست، دانشگاه به مثابه یک کلیت هدف قرار گرفته و به نظر می‌رسد بنا دارند این کارزار را تا نابودی دانشگاه ادامه دهند. اما این همبستگی اگر نتواند بدل به تحقق همبستگی اراده‌های متکثر جمعی شود، ارزشی نخواهد داشت. تحقق این همبستگی تنها از راه نقد بی‌رحمانه خود و دیگری ممکن خواهد بود، گفت‌وگویی انتقادی که هدفش گشودن فضای بازاندیشی و کنشگری برای همه کسانی است که خود را متعهد به صنف دانشجو می‌دانند. حالا مهم‌ترین وظیفه ما، به‌عنوان فعالان صنفی-دانشجویی، ایستادن در مقابل سلطه خودمان و تلاش برای شنیدن صداهای گوناگون است. کسی از آینده خبر ندارد. آینده پر از مخاطره است، پر از بیم و امید. اما همه چیز به ما بستگی دارد، به دستانی که می‌فشاریم!

سامانه‌ای به نام گلستان

پاییز خرسند



برای انجام کارهایی مانند ثبت‌نام، رزرو خوابگاه، غذا و انتخاب واحد ابتدا باید وارد سیستم گلستان شوید؛ بعد تازه می‌رسیم به ماجرای اشکالات و خطاهای متعدد سامانه عزیز گلستان...

بعد از چند بار استفاده از گلستان شاید همه خطاها، کندی سیستم در پاسخ‌گویی و حتی خارج از دسترس بودن برای چند ساعت یا چند روز عادی شود ولی درست در بحبوحه یک کالیت هدف قرار گرفته و به نظر می‌رسد بنا دارند این کارزار را تا نابودی دانشگاه ادامه دهند. اما این همبستگی اگر نتواند بدل به تحقق همبستگی اراده‌های متکثر جمعی شود، ارزشی نخواهد داشت. تحقق این همبستگی تنها از راه نقد بی‌رحمانه خود و دیگری ممکن خواهد بود، گفت‌وگویی انتقادی که هدفش گشودن فضای بازاندیشی و کنشگری برای همه کسانی است که خود را متعهد به صنف دانشجو می‌دانند. حالا مهم‌ترین وظیفه ما، به‌عنوان فعالان صنفی-دانشجویی، ایستادن در مقابل سلطه خودمان و تلاش برای شنیدن صداهای گوناگون است. کسی از آینده خبر ندارد. آینده پر از مخاطره است، پر از بیم و امید. اما همه چیز به ما بستگی دارد، به دستانی که می‌فشاریم!

امنیتی نمی‌توانیم جایگزینی داشته باشیم، چرا که تمام اطلاعات دانشجو در این سرورها ذخیره شده‌اند و این اطلاعات کاربردی امنیتی برای خود دانشگاه دارند. حال سؤال اینجاست که چرا آن‌طور که باید و شاید شاهد تلاشی برای ارتقای سایت نیستیم؟ چرا باید سامانه‌ای که همه هست‌ونیست تحصیلی دانشجو به آن بسته است، از رزرو خوابگاه تا رزرو غذا گرفته تا درخواست وام و ثبت نام و کارنامه تحصیلی و انتخاب واحد و... چنین ملغمه‌ای از پیچیدگی‌های کاربردی و خطاهای بی‌پایان و پیچ‌وخم‌های نامانوس باشد؟ در چند هفته گذشته، شکایت‌های زیادی از عملکرد این سامانه به گوش رسید؛ از مشکلات و خطاهایی که دانشجویها برای انتخاب واحد داشتند یا مشکلاتی که برای رزرو خوابگاه وجود داشت یا تأخیرهای چند ساعته برای انتخاب گزینه‌ها که بعضاً اشتباه ثبت می‌شدند، مثل اینکه شما گزینه بله را انتخاب می‌کنید و سامانه پس از هنگ کردن‌های متداوم جواب می‌کنیم چیزی که مشکل دارد یا باید تعمیر نه را دریافت کند! در پاسخ به این مشکلات، زحمت اضافه مسئولان آموزش دانشکده‌ها برای رفع این خطاها و به دنبال آن سردرگمی‌های

طبیعی حاصل از رفت و آمدها و تماس‌های اداری بی‌دلیل را شاهد هستیم. مشکلات کوچکی نیست که ساده بتوان با وجودشان کنار آمد. هر تأخیر و اشتباه این سیستم فرسوده برابر است با دگرگون شدن حیات تحصیلی دانشجو. اینکه سامانه‌های جامع دانشگاهی باید در خدمت دانشجو و به نفع او عمل کنند شکی نیست، اینکه این سیستم با نهایت ضعف‌های برنامه‌نویسی خود می‌تواند بهتر از این‌ها عمل کند هم شکی نیست. این سیستم قابلیت ارتقا یافتن دارد ولی مستلزم این است که دانشگاه برایش هزینه کند. حال یا با سپردن آن به برنامه‌نویسان اولیه سایت یا کسانی که بتوانند به آن دسترسی داشته باشند که آن ملاحظات امنیتی هم رعایت شوند. در هر صورت دانشگاه باید خود را در مقابل این مهم مسئول بداند و بیشتر از پیش در ترمیم و تخریب سایت یعنی جایگزینی و رفع یکی از مهم‌ترین نیازهای دانشجو دست روی دست نگذارد. البته این موضوعی است که شورای صنفی دانشکده‌ها باید پیگیر آن باشند و لزوم آن را به دانشگاه یادآوری نمایند.

منتقد در تبعید

صفا روشندل



پرده نخست؛ خردادماه

درست هم‌زمان با اعتراضات دانشجویی در واکنش به بازداشت دانشجویان و احکام سنگین آن‌ها، هنگامی که فضای دانشگاه مجدداً به تکاپویی برای طلب آزادی افتاده بود، کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه تهران پرونده دو نشریه از پردیس کشاورزی و منابع طبیعی را مطرح و به کمیته احضار کرد. پرونده نشریه «دیپازون»، تریبون رسمی انجمن اسلامی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، به‌خاطر انتشار مطلبی انتقادی درباره شیوه‌های الزام حکومت برای رعایت حجاب مطرح شد. همچنین پرونده نشریه شورای صنفی این واحد به این دلیل مطرح شد که در شماره‌ای از نشریه جدولی با دو ستون خوب‌ها و بد‌ها طراحی کرده بودند و نام هرکدام از مسئولین را با ذکر علت در ستون مربوط نوشته بودند. دانشجویان براساس نظرسنجی راجع به کادر اجرایی و مسئولین دانشکده این جدول را تهیه کرده بودند. شاکي این گزارش مدیریت پشتیبانی و امور فنی بود که با دلایلی از قبیل برخورد زشت و ناپسند با دانشجویان، عدم پیگیری امور مربوطه و سوءاستفاده از سمت اجرایی نامش در ستون بد‌ها قرار داشت.

پرده دوم؛ مردادماه

چند سال است که دانشگاه با هدف آشنا کردن دانش‌آموزان درگیر انتخاب رشته با فضای دانشگاهی مراسم «روزی با دانشگاه تهران» را برگزار می‌کند. در هشتم مرداد ماه امسال شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی برای این مراسم چهارهفته‌مین شماره نشریه خودش را به روایت رویدادهای مهمی که در دانشگاه جریان دارد اختصاص داد و جهت شناساندن دقیق‌تر فضا نشریه را میان شرکت‌کنندگان حاضر در پردیس مرکزی نیز

پخش کرد. این نشریه را حراست دانشگاه توقیف کرد و کارت سردبیر آن ضبط شد. البته پس از صحبت‌هایی مضحک درباره محتوای نشریه و مطرح کردن مسئله‌ای حقیقتاً خنده‌دار که باید برای پخش نشریه در سطح دانشگاه و در این روز مجدداً درخواست مجوز می‌کردید کارت دانشجویی سردبیر پس داده شد اما از پخش نشریه میان بازدیدکنندگان جلوگیری شد. این در حالی است که ماده یک ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشگاهی مصوب جلسه پانصدوچهل، مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دانشگاهی دارای مجوز را صرفاً در صورتی موظف به اخذ مجوز جداگانه می‌کند که قصد انتشار خارج از محدوده دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و واحدهای دانشگاهی را داشته باشند. میرهن است که اگر به دنبال شناخت و آشنایی با فضای دانشگاه باشیم و آنچه واقعاً پیش آمده را بخواهیم روایت کنیم، هیچ روایتگری صادق‌تر و متعهدتر و نکته‌سنج‌تر از دانشجو نیست. دانشجویانی که فراز و فرودهای فعالیت، سختی‌های آغاز مسیر، تنگناهای مقطعی و فشارها و انتظارات را پشت سر گذاشتند. نه آنکه در دانشگاه زیسته باشند بلکه دانشگاه را با تمام چالش‌ها و التهاباتش زندگی کرده‌اند. مگر محتوای نشریه چیزی جز روایتی واقع‌بینانه از حوادث ۱۳۸۹ تا به امروز نبوده است؟ یعنی افرادی درون دانشگاه هستند که از بیان حقیقت و آنچه در دانشگاه تا کنون رخ داده واهمه دارند؟ آیا آن‌ها تنها در پی بازماندگی دانشگاه از دیدگاه خود و جعل حقیقت به ناشایسته‌ترین شکل هستند؟

تیر بعدی کدام سو را نشانه می‌گیرد؟

پرده اول و دوم ناقل دو اتفاقی بود که با فاصله کمتر از یک ماه در خصوص نشریات

مرام‌نامه ویرگول

اهداف:

- تعریف دانشجو به مثابه یک صنف
- بازنگری در مفاهیم ذهنی صنف دانشجو
- انتشار دیدگاه‌های دانشجویان درباره مسائل دانشگاه، خاصه دانشکده و ایجاد راهی ارتباطی بین گروه‌های مختلف حاضر در دانشکده (دانشجویان، اساتید، کارمندان و هیئت‌رئیس دانشکده)
- انتشار اخبار و رویدادهای دانشکده
- انتشار اخبار سایر دانشکده‌های دانشگاه تهران
- اطلاع‌رسانی در خصوص دستاوردها و عملکرد شورای صنفی دانشکده
- نشر دیدگاه‌های انجمن صنفی راجع به مسائل مختلف
- ارائه پیشنهادات و انتقادات به‌منظور ارتقای سطح علمی و رفاهی
- ایجاد پل ارتباطی بین انجمن‌های علمی و شورای صنفی

خط‌مشی:

- ویرگول، تنها، نشریه شورای صنفی نیست بلکه نشریه صنف دانشجوست. صنفی که امروز به دلیل و انگیزه‌های مختلف چند پاره شده است. ویرگول می‌خواهد پایانی باشد بر خطوطی که دانشجویان را از هم جدا کرده است. ویرگول تأملی است برای درک و فهم؛ پس آنچه پیداست این است که نقاط تیره‌وتر دانشکده و چه بسا دانشگاه را از بین می‌برد. درنگی است برای همه کسانی که در فضای دانشکده زیست می‌کنند.

ویرگول معنای دیگری به پاراگراف می‌دهد.

ویرگول نه‌تنها سکوت نیست که خود صداست. صدایی که کمتر شنیده شده است.

ميثاق‌نامه اخلاقی:

- ویرگول اولویت را به منافع صنف دانشجو می‌دهد و از جانب‌داری از گروه‌ها، افراد و جریان‌ها دوری می‌کند.
- از جمله اهداف تشکیل این نشریه، ایجاد گفت‌وگو میان جریان‌ها و گروه‌های مختلف درون دانشکده است.
- بنابراین سعی ویرگول بر آن است تا جایی که مجال باشد، عقاید و دیدگاه‌های گوناگون را منتشر کند. (به جز آن‌ها که مغایر با قوانین مقرر در آیین‌نامه نشریات دانشجویی و همچنین اصول اخلاقی هستند).

- ایجاد هرگونه تغییر محتوایی در مطالب ارسالی دانشجویان، از سوی ویرگول ممنوع است، اما اصلاحات ویرایشی بلامانع است.

- سعی بر آن است که با بررسی چند باره هر مطلب، از ارتکاب هرگونه اشتباه جلوگیری شود، اما خطاهای احتمالی در شماره‌های بعد اصلاح می‌گردد.

- ویرگول از چاپ هرگونه مطلب که در آن از کلمات توهین‌آمیز استفاده شده یا در آن به ادیان، مذاهب، قومیت‌ها و اشخاص حقوقی توهینی شده باشد، معذور است.

- در صورت آوردن نام اشخاص حقیقی، نشریه در شماره‌های آتی می‌تواند دفاعیه فرد را منتشر کند.

حریم خصوصی، دود...

امیرحسین ودیعی

دانشگاه بار دیگر از حضور نداشتن دانشجویان و به تبع آنان انجمن‌ها و شوراهای صنفی، در فصل تابستان استفاده کرد و قوانینی را به تصویب رساند. یکی از این مصوبه‌ها، «طرح ممنوعیت استعمال دخانیات در دانشگاه» یا «برنامه دانشگاه عاری از دخانیات» بود. اگرچه سرانجام این طرح ناگفته پیداست اما در این یادداشت قصد داریم انتقاداتی را به این طرح وارد کنیم و از نواقص و مشکلاتش بگوییم.

ابتدا بد نیست به علل و توجیهات مرکز مشاوره -مجرى طرح- درباره این طرح نگاهی گذرا داشته باشیم. اولین دلیل دانشگاه برای اجرای این طرح، سالم‌سازی فضای دانشگاه و کمتر کردن مضرات دخانیات برای مصرف‌کنندگان دست‌اول و همچنین کسانی است که دود دست‌دوم را استنشام می‌کنند (secondhand smoke).

دلیل دیگری که متولیان طرح تأکید زیادی بر آن داشتند، تجربه موفق «برنامه دانشگاه عاری از دخانیات» در دانشگاه‌های خارج از کشور است. این نکته را در نظر بگیرید که این طرح در هیچ یک از دانشگاه‌های ایران تاکنون به‌صورت جدی اجرا نشده است.

دلیل اول دلیل منطقی و مناسبی برای اجرای این طرح است؛ اما مقدمات پیاده کردن آن بحث مهم‌تری است که گویا مغفول مانده است. در شرایطی که خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه تهران حتی مکان مناسبی برای خوابیدن هم نیستند، سخن گفتن از چنین طرحی و مقایسه شرایط دانشگاه‌های کشور با شرایط دانشگاه‌های خارجی به لحاظ امکانات رفاهی و تفریحی، همچون شوخی است. در ساختمان‌های خوابگاهی میز پینگ‌پنگ یا زمین ورزشی وجود ندارد و سالن‌های ورزشی خصوصاً استخر و باشگاه مشکلاتی اساسی دارند، از جمله بالا رفتن قیمت بلیت استخر در سال گذشته، اختصاص دادن سالن‌های ورزشی به غیر از دانشجویان، تخصیص بدموقع‌ترین سانس‌ها به دانشجویان و همچنین قدیمی بودن امکانات باشگاه‌ها. بدیهی است امکانات رفاهی سطح پایین ساختمان‌ها موجب می‌شود دانشجویان تفریح و سرگرمی دیگری - در بهترین حالت (!)- جز سیگار پیدا نکنند. ضمناً این درحالی است که با توجه به تحقیقات

انجام شده، در هیچ دانشگاه دیگری، طرح به شکل ممنوعیت کامل در تمامی نقاط دانشگاه اجرا نشده است. در این دانشگاه‌ها برای استعمال دخانیات، محیط‌هایی تحت عنوان «smoking area» فراهم شده است و استعمال دخانیات در ساختمان‌ها، محل‌های گذر، نزدیک پنجره‌ها، خروجی‌ها و امثالهم به‌کلی ممنوع است. مرور آیین‌نامه این طرح در دانشگاه‌هایی مثل واشنگتن و ناتیکنگهام مؤید این مطلب است. اشکال بعدی طرح مذکور این است که دانشجویان در برابر اعمال این قانون برابر نیستند. دانشجویان شهرستانی که به‌صورت ۲۴ ساعته در خوابگاه و دانشگاه ساکن هستند، دائماً تحت کنترل قانونی‌اند اما دانشجویان شهرستانی یا تهرانی که در خوابگاه ساکن نیستند، قانون کمتر برایشان اعمال می‌شود. این مسئله به‌گونه‌ای دیگر نیز با دوگانه دانشجوی خوابگاهی و غیرخوابگاهی پیوند می‌خورد؛ از آنجا که گاهی - خوب یا بد- استعمال دخانیات مقدمه پذیرفته شدن و ارتباط گرفتن با دیگران است، استعمال دخانیات می‌تواند موجب شکل‌گیری معاشرت و گفت‌وگوهای دانشجویی شود. جمع‌هایی که به‌خاطر وجود فضاها، ارتباطات و امکانات خانوادگی، شغلی، محلی و در یک کلام غیردانشگاهی برای دانشجویان غیرشهرستانی و علی‌الخصوص دانشجویان مرفه، اهمیت کمتری دارد. این مسئله در بین دانشجویان خوابگاهی بیش از دانشجویان غیرخوابگاهی احساس می‌شود. آیا توبیخ قانونی و رسمی، توان مبارزه با تشویق‌های غیررسمی را دارد؟ در انتها شاید گفتن این نکته ضروری باشد که بدانیم عللی که موجب استقبال دانشجویان از سیگار می‌شود، عمدتاً مربوط به دانشگاه نیست؛ بنابراین هرگونه دخالت دانشگاه و متولیان قانون در این زمینه، دست‌درازی به حریم خصوصی دانشجویان و سلب آزادی از آنان است و بهتر آن است که به دنبال بررسی و حل ریشه‌ای این مشکلات باشیم، نه صرفاً برنامه‌ای سطحی و روی کاغذ؛ خصوصاً آنکه در شرایطی قرار داریم که دسترسی به انواع و اقسام مواد مخدر و دخانیات، بسیار آسان گردیده است.

گزارش کمیته نمایندگی دانشجویی از احکام قضایی دانشجویان

وقایع دی‌ماه ۱۳۹۶ هرچند خاستگاهی غیردانشگاهی داشت اما از همان ابتدا دانشگاه را نیز با خود درگیر کرد. موج بازداشت دانشجویان در سراسر کشور از همان روزهای ابتدایی همراه با اقدامات مغایر قانون و خارج از شأن جامعهٔ نخبگانی کشور، سبب نگرانی‌های زیادی شد. دامنه‌دار شدن دستگیری‌های تعداد بیشتری از دانشجویان در روزهای بعد، به طول انجامیدن بازداشت‌های دانشجویان در ایام فرارسیدن امتحانات و روند بازجویی‌های تحت فشاری که به گوش دانشگاهیان می‌رسید، خبر از اتفاقات تلخی می‌داد که دوباره دانشگاه قربانی آن بود. از همان زمان وزارت علوم خبر از پیگیری وضعیت دانشجویان در راستای احقاق حقوق آن‌ها داد و بنا شد بازگرداندن حیثیت از دست‌رفتهٔ دانشگاه در وقایع اخیر را دنبال کند. وعده‌های مکرر مسئولان وزارت علوم به‌منظور مرتفع شدن مشکلات قضایی دانشجویان بازداشتی و بازگشت موقت دانشجویان به دانشگاه با وجود نگرانی‌هایی که به همراه داشت، می‌توانست نویدبخش فضای تعاملی برای حل معضل باشد که با آغاز زود هنگام فرایند دادگاه‌های اولیهٔ دانشجویان در پایان همان سال این امید نیز به پایان رسید.

احکام سنگین اولیهٔ دانشجویان در دادگاه‌های بدوی نشان می‌داد بین نهادهای امنیتی و قضایی کشور با جامعهٔ دانشگاهی تعامل وجود ندارد و اینکه مسئولان وزارت علوم به‌عنوان متصدی اصلی حفظ و حراست از حریم دانشگاه در این کار ناتوانند. در این شرایط بار دیگر دانشجویان به‌عنوان عضوی از دانشگاه که همیشه در غیاب مسئولان ذی‌ربط، هزینهٔ حمایت از دانشگاه را پرداخته‌اند، اعتراضات خود را به ادامهٔ این روند علنی کردند. در این بین دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران به دلیل هزینه‌های زیادی که متحمل شده بود، اعتراض خود را در واکنش به این احکام اعلام کرد. اعتراضات و تجمعات دانشجویی که از ۲۶ خردادماه به مدت دو هفته در این دانشکده جریان داشت، بار دیگر پرداختن به وضعیت دانشجویان را احیا کرد و اعضای دیگر دانشگاه را به واکنش واداشت.

این بار اساتید نیز به همراهی با دانشجویان برخاستند. در روز دوشنبه ۲۸ خردادماه بالغ بر بیست نفر از اساتید دانشکدهٔ علوم اجتماعی در جمع دانشجویان حاضر شدند؛ از جمله سید مهدی اعتمادی‌فرد (ریاست دانشکده)، یوسف اباذری، محمدرضا جوادی یگانه (رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران)، حجت‌الاسلام فرج‌الله

تازه‌کندی (نماینده‌گی نهاد رهبری در دانشکده)، سید ضیاء هاشمی (مدیرعامل ایرنا و سرپرست سابق وزارت علوم)، محمد توکل، مهدی منتظر قائم، موسی عنبری، روح‌الله نصرتی، هوشنگ ناییبی، علیرضا محسنی تبریزی، عبدالله بیجرانلو، تقی آزاد ارمکی، علیرضا دهقان، مریم رفعت‌جاه، زهره انواری، زهرا فرضی‌زاده، احمد فیروزآبادی، عبدالحسین کلانتری و سارا شریعتی (دو روز بعد). اساتید با حضور در جمع دانشجویان در لابی دانشکده بر به حق بودن مطالبات آنان مهر تأییدی زدند و همراهی خود در راستای تلاش برای رفع احکام قضایی دانشجویان را اطلاع دادند. اساتید وعده دادند جهت کاهش التهابات فضای ایجادشده از خارج دانشگاه در ایام امتحانات دریغ نکنند. همچنین در پاسخ به درخواست دانشجویان مبنی بر حضور وزیر علوم در جمع آنان، دکتر غفاری معاون فرهنگی وزارت علوم به نمایندگی از شخص وزیر در دو نوبت در روزهای چهارشنبه ۳۰ خردادماه و دوشنبه ۴ تیرماه در جمع دانشجویان حاضر شد. او با تأیید نگرانی‌های دانشجویان گزارشی از اقدامات و پیگیری‌های در حال انجام وزارت علوم ارائه کرد.

مطالبات چهارگانهٔ دانشجویان معترض در این تجمعات صریحاً اعلام شد. این مطالبات عبارت بودند از: (۱) لغو احکام قضایی صادره علیه تمام دانشجویان و بازگشت پرونده‌های ایشان به دانشگاه؛ (۲) توقف کامل روند قضایی دانشجویانی که هنوز دادگاه بدوی‌شان تشکیل نشده است و بازگشت پروندهٔ آن‌ها به دانشگاه؛ (۳) حضور دانشجویان محکوم‌شده در سال جاری تحصیلی بدون هیچ مانعی بر سر کلاس‌ها و دفاع از حق تحصیل آن‌ها؛ (۴) توقف کامل روند امنیتی‌سازی دانشگاه و پرونده‌سازی نکردن برای دانشجویان فعالی که پیگیر پرونده‌ها بودند. همچنین در نامهٔ ۱۲۵ تن از اساتید کشور خطاب به رئیس‌جمهور نیز این دغدغه‌ها بار دیگر تکرار شد و از شخص ایشان درخواست گردید که «با توجه به این که نهاد بازداشت‌کنندهٔ بسیاری از دانشجویان، وزارت اطلاعات دولت شماس ت تهران (دکتر سرسنگی) با نمایندگان دانشجویان معترض و همچنین تعدادی از دانشجویان که درگیر طی کردن مراحل اولیهٔ احکام قضایی خود بودند، برگزار گردید. در این جلسه با تشریح ایرادات واضح در احکام قضایی صادرهٔ دانشجویان، بر اقدامات عاجل وزارت علوم در راستای وظایف اصلی خود که حراست از دانشجویان است تأکید

شد. همچنین درخواست‌های تجمع‌کنندگان و پیشنهادهایی که به‌منظور حل مسئلهٔ قضایی دانشجویان با تأکید بر حضور آن‌ها در سال تحصیلی آتی در کلاس‌های درس نیز وجود داشت، مطرح شد. یکی دیگر از خواسته‌های دانشجویان در این جلسه، اصلاح گزارشات موجود از وضعیت دانشگاهیان و دانشجویان حکم‌خورده توسط حراست دانشگاه برای نهادهای ذی‌ربط امنیتی و قضایی بود. تأکید بر رفع هرگونه برچسب ناصحیح بر فعالیت‌های صنفی-تشکیلی دانشجویی که جنبهٔ قانونی دارد و حمایت از استقلال دانشگاه به عنوان مرجع بررسی شکایات مذکور از دیگر خواسته‌های دانشجویان بود.

۲. به دعوت نمایندهٔ نهاد رهبری در دانشگاه تهران به‌منظور پیگیری وضعیت احکام قضایی دانشجویان جلسه‌ای در محل این نمایندگی تشکیل شد. حاضرین این جلسه، دکتر اعتمادی فرد (رئیس دانشکدهٔ علوم اجتماعی)، دکتر فرضی زاده (معاونت فرهنگی دانشکدهٔ علوم اجتماعی)، حجت‌الاسلام فرج‌الله تازه‌کندی (نماینده‌گی نهاد رهبری در دانشکدهٔ علوم اجتماعی)، دکتر یوسف اباذری، دکتر احمد نادری و دکتر حسین‌زاده از اساتید دانشکدهٔ علوم اجتماعی و دانشجویان بازداشت‌شدهٔ اخیر بودند. همچنین نهاد رهبری برای حضور در این جلسه از نمایندگان تشکل‌های انجمن اسلامی، بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی مستقل دانشکدهٔ علوم اجتماعی نیز دعوت به عمل آورده بود. در این جلسه مقرر گردید طبق هماهنگی‌های پیشین نهاد رهبری دانشگاه تهران و مسئولین قوهٔ قضاییه، کمیته‌ای تشکیل شود تا به بررسی وضعیت دانشجویان بپردازد و گزارش مبسوطی از وضعیت آن‌ها از طرف دانشگاه به قوهٔ قضاییه ارائه دهد. این کمیته متشکل از نمایندگانی از نهاد رهبری دانشگاه تهران، اساتید دانشکدهٔ علوم اجتماعی و کمیتهٔ نمایندگان دانشجویی بود. همچنین قرار شد درخواستی در راستای مطالبات دانشجویان به میانجی‌گری نهاد رهبری دانشگاه تهران با قوهٔ قضائیه مطرح شود. این امر علی‌رغم وعدهٔ مسئولین نهاد تا به امروز رخ نداده است و پیگیری‌های دانشجویان جهت تشکیل جلسه با مسئولین قوهٔ قضائیه همچنان ادامه دارد.

۳. جلسهٔ کمیتهٔ پیشنهادی نهاد رهبری با حضور اعضای مذکور در دانشکدهٔ علوم اجتماعی برگزار شد. در این جلسه دانشجویانی که احکام دادگاه اولیهٔ آن‌ها صادر شده بود حضور یافتند و پس از توضیح تفصیلی دربارهٔ وضعیت بازداشت تا صدور احکام خود نکاتی را که برای تکمیل این گزارش نیاز بود به این کمیته انتقال دادند. همچنین اعضای دیگر حاضر در جلسه نیز

نکاتی در راستای وضعیت قضایی دانشجویان و درخواست‌های خود مبنی بر رسیدگی جدی‌تر در راستای تصحیح و بهبود روند قضایی ارائه کردند. بنا بر تصمیم اعضای این کمیته قرار بر این شد که گزارشی از نظر اعضای حاضر، تهیه شود و با تأیید نظر حضار به قوهٔ قضاییه ارسال شود. ۴. با پیگیری‌های صورت گرفته دیداری بین نمایندگان دانشجویان باخانم مولاردی (دستیار ویژهٔ رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی) در دفتر ایشان صورت گرفت. در این جلسه نیز با تشریح دقیق اقدامات و پیگیری‌هایی که تا به حال انجام گرفته است، دانشجویان با انتقاد از غفلت چندماههٔ دستگاه‌های مسئول به‌خصوص وزارت علوم، خواستار مداخلهٔ جدی‌تر در سطح دولت و توقف روند قضایی نگران‌کننده شدند. خانم مولاردی که چند روز پیش از این دیدار مطرح کرده بود، وعده داد مباحث مطروحه را با شخص معاون اول رئیس‌جمهور و شخص وزیر اطلاعات در میان خواهد گذاشت و به پیگیری‌های مستمر خود ادامه می‌دهد. ۵. به دعوت خانم پروانه سلحشوری (نمایندهٔ مجلس) جلسه‌ای با نمایندگان دانشجویان در محل دفتر ایشان برگزار شد و گزارشی از بازداشت‌ها و احکام قضایی صادر شده ارائه گردید. طرح سؤال از وزیران علوم و اطلاعات و نیز تحقیق و تفحص از وزارت علوم دربارهٔ پولی‌سازی‌های صورت‌گرفته در دانشگاه‌ها، که موضوع اعتراض بسیاری از دانشجویان بازداشت‌شده است و همچنین تحقیق و تفحص از وزارت اطلاعات که ضابط بسیاری پرونده‌ها است و در بازداشت دانشجویان نقش داشته است، از جمله اقداماتی است که خانم سلحشوری طی این جلسه وعدهٔ پیگیری آن را از خلال مجلس دادند. این نماینده طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایلنا ضمن ارائهٔ آخرین آمار و اطلاعات از تعداد دانشجویان بازداشتی و احکام قضایی ایشان، خواستار توضیح دولت و وزارت اطلاعات دربارهٔ نقششان در پرونده‌ها شدند. طبق آخرین اطلاعات این پیگیری‌ها قرار است مین‌بعد از طریق خانم فاطمه سعیدی، دیگر نمایندهٔ مجلس، انجام پذیرد.

۶. به علاوه، رایزنی‌ها و مذاکراتی با مسئولان دانشگاه تهران مین‌جمله آقایان دکتر محمود نیلی (رئیس دانشگاه)، دکتر مجید سرسنگی (معاون فرهنگی)، دکتر حسن محسنی (مدیر امور حقوقی)، اسماعیل سلیمانی (مدیرکل حراست)، حجت‌الاسلام کرمی (مسئول نهاد نمایندگی رهبری) و برخی استادان مین‌جمله دکتر ضیاء هاشمی صورت‌گرفته و ایشان نیز وعدهٔ پیگیری‌های مستمری را داده‌اند. در پایان خاطرنشان می‌کنیم از آنجا که

نه‌تنها هنوز هیچ نشانه‌ای مبنی بر دستیابی به مطالبات چهارگانهٔ دانشجویان دیده نمی‌شود بلکه طی این روزها اخباری مبنی بر تشکیل دادگاه‌های بدوی دیگر دانشجویان به روال گذشته و صدور احکام سنگین به گوش می‌رسد، مطالبه‌گری دانشجویان با توسل به راهکارهای قانونی ادامه خواهد یافت و آن‌ها در سال تحصیلی پیش رو بی‌تفاوت نخواهند بود.

پس از این گزارش نمایندگان دانشجویی از نیمهٔ مردادماه تا پایان شهریورماه همچنان رایزنی‌ها را ادامه دادند. در این مدت چهار جلسهٔ مهم برگزار گردید:

دو جلسه با دکتر اعتمادی‌فرد، رئیس دانشکده که در آن‌ها بعد از به اشتراک گذاشتن اقدامات و پیگیری‌های مستمر و گزارش‌دهی ایشان و دانشجویان نماینده و دانشجویان مسئول تشکل‌های سیاسی دانشکده، بر هم‌قدمی و تقسیم وظایف تأکید گردید.

جلسه‌ای با مهندس عسگری، مدیرکل امور فرهنگی وزارت علوم برگزار شد. در این جلسه مهندس عسگری با ارائهٔ گزارش جلساتی که مسئولین وزارت علوم با مسئولین امنیتی برگزار کرده‌اند، وعده داد با توجه به مفاهمه‌ای که صورت گرفته اکثر پرونده‌های دانشجویان حل خواهد شد.

و مهم‌تر از همه، جلسه‌ای با چند تن از مسئولین نهاد رهبری در دانشگاه و دانشکده؛ در این جلسه دکتر افکنانه از جلسات کمیته‌ای شش نفره متشکل از نمایندهٔ قوهٔ قضاییه، نمایندهٔ نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و حراست دانشگاه تهران و مسئولین دستگاه‌های امنیتی خبر داد که با تأیید رئیس قوهٔ قضاییه به واریسی تک‌تک پرونده‌های دانشجویان پرداخته‌اند. طبق وعدهٔ ایشان در این جلسه، پای هیچکدام از دانشجویان دانشگاه تهران که در این کمیته پرونده‌شان بررسی شده است بابت اقدامات گذشته به زندان بازخواهد شد و برخی تیره خواهند شد و برخی دیگر احکام تعلیقی خواهند گرفت. همچنین با تأکید و اصرار نمایندگان دانشجویان قرار بر این شد که باب گفت‌وگو با مسئولین قضایی برای حل مسائل سایر دانشجویان از جمله دانشجویان شهرستان‌های کشور باز بماند و تنها به دانشجویان دانشگاه تهران اکتفا نشود.

طبق گفت‌وگوهای صورت گرفته جلسهٔ دیگری به‌زودی با شخص آقای کرمی مسئول نهاد رهبری در دانشگاه تهران با حضور نمایندگان دانشجویان برگزار خواهد گردید که به طور رسمی نتایج اقدامات صورت گرفته از جمله نتایج به‌دست‌آمده از جلسات کمیتهٔ شش نفره بیان خواهد گردید. نمایندگان دانشجویی گزارش بعدی را پس از برگزاری این جلسه ارائه خواهند کرد.